



که شادی سترد از جهان نام غم (نظامی)

به جشن فریدون و نوروز جم

ابو ریحان بیرونی در تعریف نوروز می گوید: "نوروز نخستین روز است از فروردین ماه و ازین جهت روز نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است و اعتقاد پارسیان اندر نوروز نخستین آنست که روزیست از زمانه و بدو زمانه آغازید گشتن." انسان، این فرزند پرورده در دامن طبیعت، همواره فرا رسیدن بهار و جان گرفتن دوباره زمین و گیاه را جشن گرفته است. در سرزمینی که امروز ایران خوانده میشود. مردمان بومی حتی قبل از ورود اقوام آریائی نیز نوروز را بزرگ میداشتند. از زمانهای کهن اقوام مختلف، با فرهنگها، زبانها و ادیان متفاوت در بزرگداشت این روز هم دستان بودند و همین ویژگی جهان شمولی نوروز، سبب توانمندی و پا بر جایی آن در مقابل تمامی حوادث تاریخی بوده است.

در حقیقت مردمان ایران زمین دو اعتدال طبیعی، مهرگان و نوروز را گرامی میداشتند. هر چند در هر دو مورد ساعت شب و روز مساوی میگردد، اما با بهار روزها بلندتر و با مهرگان شبها طولانیتر می شود. بر نیمه فرارونده سال یعنی بهار و تابستان، جمشید و بر نیمه فرو کاهنده، پائیز و زمستان، فریدون فرمانرواست. در ایران قدیم گاهی اعتدال پائیزی را ابتدای سال و زمانی اعتدال بهاری را روز اول سال میدانستند. در عهد جلال الدین ملکشاه سلجوقی (458 خورشیدی) گروهی ریاضیدان و منجم، از جمله عمر خیام، مسئول تنظیم تقویم خورشیدی شدند و بر اساس محاسبات نجومی آغاز سال در اعتدال بهاری قرار گرفت. (زمانی که خورشید بر راس حمل واقع میشود) از آن زمان نوروز به شکل رسمی آغاز سال نو خوانده شد. بعد از انقلاب مشروطیت نیز پارلمان ایران بر این امر تاکید نمود و آن را شکل قانونی داد که تا امروز ادامه دارد.

چهره های کلیدی نوروز:

به باور ایرانیان باستان جهان در هفت روز آفریده شد. در آخرین روز مرحله آفرینش که مطابق با آغاز بهار بود، کیومرث، نخستین بشر آفریده شد. اما سیمای مرکزی سال نو جمشید است. او نخستین روز بهار بر تخت نشست. زندگی شهری را بنا نهاد. او نخستین کسی است که از نیشکر، شکر گرفت و به این دلیل است که در نوروز مردمان به یکدیگر شیرینی میدهند. اوست که گاهشماری را به انسان آموخت. دگر اسطوره بهاری سیاوش است. او که سمبل پاکی و صلح است با حلیه پدر به توران میرود، و به دست افراسیاب کشته میشود. اما از خون او در بهار گیاهان جان دوباره میابند. و فرزند مشترک سیاوش و فرنگیس دختر افراسیاب نیز در بهار تولد می یابد (که روز نوائین و جشنی نو است. شب سوراخ کیکسرو است.) منوچهری، کیخسرو، این گیاه رسته از خون سیاوش اساس فرمانروایی آرمانی را بنا مینهد. به باور ایرانیان باستان او روزی به این جهان باز می گردد. و به همراه خود داد و بی مرگی را برای بشر به ارمغان می آورد. او اولین مسیح تاریخ است. اما سیاوش نه تنها از سوی ایرانیان بلکه در سرزمین توران نیز جایگاه ویژه ای دارد. مردم آسیای مرکزی و به ویژه در شهر بلخ او را فرشته نگهبان خود می دانند.

نوروز چنان ریشه عمیقی در تاریخ و فرهنگ ایران داشته است که هیچ یک از اشغالگران این سرزمین نتوانسته اند آن را از میان بردارند و نهایتاً سعی نموده اند که خود را با آن یکسو نمایند. به همین ترتیب است که با ورود اعراب به ایران، مسلمانان نیز اسطوره های خود را به افسانه های نوروزی درآمیختند: نخستین بشر که در فرهنگ ایرانی کیومرث نامیده می شد به آدم بدل شد و هر چه از جمشید بود با نام سلیمان رقم خورد. به اعتقاد آنها کشتی نوح در همین روز نوروز از طوفان بلا جست. گویند غدیر خم (8 ذالحجه) سال دهم هجرت نیز مطابق 29 اسفند بوده است. از همین رو شاعر مسلمان برابر شدن روز و شب را به همین امر نسبت میدهد:

امروز علی نشست بر تخت نبی
ز انست که روز و شب برابر گردید

گویند در همین روز نوروز موسی وحی گرفته است و عیسی نیز در روز آغاز بهار به پیامبری مبعوث گردید.

آیین های نوروزی:

مراسم نوروزی باتهییه مقدمات سبزه هفت سین آغاز می گردد. از اواسط اسفند ماه نیز خانه تکانی شروع میشود. در گذشته علاوه بر پاکیزه کردن خانه و دور ریختن وسایل کهنه، مردم به اشکال مختلف کوشش می نمودند ارواح خبیث را از شهر و خانه خود دور نمایند. از جمله اینکه افرادی با صورتک ها و پوشش های عوضی که دیدارهای دوره ای با ارواح را مجسم میکند، به گردش می پرداختند و با ساز و دهل به دفع این ارواح شیطانی میپرداختند. اغلب این مراسم همراه با مهمانی ها و شادی خواری ها و خوشگذرانی و زیر و رو کردن روال

معمول زندگی همراه میشد. این مراسم که در حقیقت همان کارناوال هایی است که در مناطق دیگر دنیا وجود دارد، هنوز به شکلی از آن به صورت حاجی فیروز، و چادر سر کردن در مراسم قاشق زنی، باقی مانده است. که کار کرد آن در روزگار ما بیشتر برای ایجاد شادمانی و مژده دهنده فرا رسیدن نوروز است. این پیک نوروزی به نام های نوروز خان و عید گردان در آذربایجان سایا چی نوروز داما و در تاجیکستان گل گردن نیز خوانده میشوند.

از آنجا که پاکی و شادی دو عنصر پایه ای آئین های نوروزی است، پریدن از روی شعله آتش در چهارشنبه سوری در حقیقت به همین منظور صورت میگیرد. سرخی آتش نماد پاکی که زردی و بیماری های سال کهنه را دور میکند، ترقه و سر و صدا راه انداختن نیز مانند سرنا و دهل برای دور کردن ارواح شیطانی بوده است. آئین های نو شدن، راه های گوناگون تطهیر یا شستشو و آب پاشی به یکدیگر و آوردن آب تازه به خانه در مناطق گوناگون دنیای ایرانی بسیار رایج بوده است.

مرحله دوم آئین های نوروزی با گرد آمدن افراد خانواده در کنار سفره هفت سین آغاز می شود. با دریافت عیدی از بزرگترها ادامه میابد. در روزهای بعدی نوبت به دید و باز دید با اقوام و آشنایان می رسد. در گذشته روز تحویل سال با مراسم بسیار مهمی همراه بوده است به ویژه در شهرهای بزرگ. گویند در اولین نوروزی که عضدالدوله دیلمی در اصفهان بوده است فضای شهر را چنان مملو از شادی و شغف دید که تعجبش بر انگیزه شد. دکان داران اجناس را به بهای ناچیزی فروختند. همبستگی در میان اهالی به حد اعلا میرسید. دختران و پسران آزاد بودند که با هم باشند. این مراسم حتی در دوره بعد از اسلام هم در بسیاری از مناطق ایران برگزار میشد. در پاره اوقات حتی برای یکروز آزادی جنسی نیز مجاز بود. این مراسم هنوز در میان بعضی قبایل افغانستان ادامه دارد. آئین دیگر که بسیار رایج بوده است انتخاب شاه بانوی سال نو و یا ایزد بانوی نوروزی است. اهالی فردی را از میان اقشار فقیر بعنوان شاه سال نو برای مدتی که آئینهای نوروز ادامه داشت انتخاب میکردند و دستور های او بدون قید و شرط انجام می شد و آن شخص از هر مجازاتی بری بود. در بعضی مناطق این آئینها با حاکمیت بدون قید و شرط زنان همراه بود و مردان جرات خارج شدن از خانه را نداشتند. در این مراسم دور انداختن موقتی دستور های اخلاقی سنتی و قوانین اجتماعی و به مسخره گرفتن موسسات رسمی بسیار رایج بود. در تمام این آئین ها مایه اصلی، شادی و زدودن غم از زندگی حداقل برای مدتی کوتاه بود.

همانطور که اشاره شد، نوروز نه تنها نزد تمام اقوام ایرانی بلکه در پیش تمام فرهنگهایی که از دورو نزدیک با فرهنگ این منطقه ارتباط داشتند، گرامی بود. برای نمونه، تا قبل از حاکمیت مسیحیت در امپراطوری رم (در قرن سوم بعد از میلاد 21) سال رمی با فروردین آغاز میشد. هنوز هم نام ماه های سپتامبر (هفتم)، اکتبر (هشتم)، نوامبر (نهم) و دسامبر (دهم) شاهد این امر است. هنوز سال مالی در انگلستان 21 مارچ مطابق اول فروردین میباشد.

قبطی های مصری، نوروز را گرامی می دارند و مراسم آب پاشان نزد آنها رایج می باشد، در سوریه و لبنان نوروز از اعیاد مهم به حساب می یاید. در دیار عثمانی و حکومت مغولها ی هند، نوروز را بزرگ می داشتند و اغلب شاهان در این روز به تخت می نشستند. در آسیای مرکزی همانند ایران امروز، بزرگترین جشن سال میباشد. در شهر بلخ که فرشته نگهبانش سیاوش میباشد، مراسم نوروزی با اسم او در بزرگداشت او اجرا میگردد. افغان ها و کردها نوروز را از ویژگی های فرهنگی خود می دانند و نه تنها آن را با رقص و شادی و آئین های متفاوت جشن می گیرند، بلکه غالباً بزرگداشت آئین ها را نشانه مقاومت در مقابل فرهنگ غیر بومی می دانند. این ویژگی در تمام دوره حاکمیت شوروی برای مردم آسیای مرکزی وجود داشت و امروز نیز کردهای ترکیه از آئین های نوروزی به منظور بیان خواسته های خود سود میجویند.

سخن کوتاه، از فلات پامیر تا آسیای صغیر و از هند تا به مصر اقوام گوناگون با ادیان، زبان ها و فرهنگ های مختلف نوروز را بزرگ میدارند. نوروزی که در طول زمان از طوفان های تاریخی پیروز و سر بلند بیرون آمده، علیرغم حملات گوناگون چون حمله اسکندر، عرب، مغول و قبایل آسیای مرکزی نه تنها نوروز باقی مانده بلکه همه حاکمان خارجی نیز مجبور شده اند که آن را گرامی بدارند. فرخه ه بمناسبت سالی که عید قربان و جشن نوروز هم زمان بوده است چنین سروده است:

عید قربان و ماه فروردین	هر دو با یکدیگر شدند قرین
شد مصلی، از آن چو جرخ بلند	شد گلستان ازین چو خلد برین
آن، زمین لاله رنگ کرد زخون	وین پر از لاله کرد زمین
زاغ از پر عقیق و مرجان شد	باغ از این پر بنفشه و نسرين
زینت و منبر است زینت آن	نرگس و سوسن است تحفه این
جشن آن، هست در عرب سنت	جشن این، در عجم آئین

کتابنامه :

- 1- چند چهره کلیدی در اساطیر گاه شماری ایرانی انا کراسنو ولسکا مترجم زاله متحدین
- 2- نوروز خوش آئین دکتر احمد جاوید
- 3- نوروز نامه حکیم عمر خیام
- 4- نوروز جشن نوزایی افرینش علی بلوکباشی
- 5- نوروز باستانی ابو عثمان جاحظ ترجمه افتخارزاده
- 6- جستار در باره مهر و ناهید محمد مقدم
- 7- حماسه های ایران جلیل دوست خواه

